

Use of Public Diplomacy by the Supreme Leader of Iran in the Islamic Awakening Movement

Received: 2022-08-26

Accepted: 2022-10-26

Nasser Pourhassan *

Rashid Recabian **

The present research aims to design a model for the political intelligence of the managers of governmental companies in terms of the effective governance model. This is an applied study with respect to its objective, and a mixed study with respect to its method. In the qualitative part, the statistical population includes 15 experts; that is, senior managers of the governmental section, and in the quantitative part, it includes the managers and employees of governmental organizations. Of these, a sample of 384 individuals was selected. The main tool for data collection in the qualitative part is semi-structured interview, and in the quantitative part is the researcher-made questionnaire. The validity of the questionnaire was confirmed through the content validation method. To assess the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was calculated. The hypotheses were tested with the technique of partial least squares and the PLS software. The results of the qualitative analysis includes 15 themes: language games, stress management, practical knowledge, organizational changes, having a political character, manipulation of feelings, human resources, explicit truthfulness, entrepreneurship, power dynamics, manipulation of information, social games, economic factors, policies and laws, and organizational culture. In accordance with the obtained results, the themes were put on 8 levels.



* Associate professor, Faculty of Law and Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Borujerd, Iran (corresponding author).
na.pourhassan@abru.ac.ir.

** Associate professor, Faculty of Law and Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Borujerd, Iran. ra.recabian@abru.ac.ir.

Then, 15 hypotheses were put forward, which were analyzed and then confirmed by drawing on structural equations.

Keywords: Political intelligence; managers; governmental organizations; content analysis; governmental companies; effective governance model.



کاربست دیپلماسی عمومی از سوی مقام معظم رهبری در جنبش بیداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۸/۴

ناصر پورحسن^۱

رشید رکابیان^۲



هدف پژوهش حاضر بررسی کاربست دیپلماسی عمومی توسط مقام معظم رهبری در جریان بیداری اسلامی است. دیپلماسی عمومی فرایند ارتباط یک کشور با عامه‌ی مردم کشورهای دیگر، برای شناساندن ایده‌های خود و شناخت ایده‌های آنها و آرمان‌های ملی، معرفی نهادها، فرهنگ، هنجارها و تبیین اهداف سیاست‌های خود است. این فرایند، در جریان بیداری اسلامی از سوی مقام معظم رهبری محقق شد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر بیانات، نامه‌ها و خطبه‌های مقام معظم رهبری، نشان می‌دهد که ایشان همواره با مخاطب قرار دادن نخبگان و توده‌های مردم جهان اسلام، به دنبال شناساندن آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده‌اند. این نوع دیپلماسی عمومی سنتی، با گفتمان‌سازی در لحظات حساس تاریخی، به‌ویژه در زمان وقوع بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱، با مخاطب قرار دادن مستقیم مسلمانان منطقه، رهنمود به نخبگان فکری و گروه‌های مرجع، ارسال نامه به جوانان، برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی و استفاده‌ی هوشمندانه از فضای مجازی محقق شده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی عمومی، آیت‌الله خامنه‌ای، جنبش بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی، جوانان، نخبگان.

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).
(Na.pourhassan@abru.ac.ir)

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.
(ra.recabian@abru.ac.ir)

کشورها براساس اهداف فراملی و توانایی‌هایی خود، به دنبال تأمین اهداف و منافع تعیین شده در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. جمهوری اسلامی که متعاقب يك دگرگونی بنیادین به نام «انقلاب اسلامی» وارد مناسبات بین‌المللی شد، با طرح الگویی جدید و ارائه‌ی قرائت نوینی از سیاست خارجی، منافع ملی، نظم بین‌المللی و ثبات جهانی، نسبت به چگونگی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی، رویکردی تجدیدنظرطلبانه داشته و از این رو، خواهان توزیع دوباره‌ی قدرت و برقراری توازن جدیدی از نیروها در سطح بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی، علاوه بر عمق تاریخی و موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی، دارای هویتی اسلامی است و منافع آن نیز براساس این هویت، بر ساخته می‌شود. بر این اساس، جمهوری اسلامی، نسبت به مسائل جهان اسلام، دارای حساسیت است و همواره دفاع از منافع مسلمانان جهان را از وظایف خود می‌داند. جمهوری اسلامی در عرصه‌ی منطقه‌ای نیز به دلایل راهبردی منبث از دین اسلام، از بدو انقلاب تاکنون، به رغم اقدامات محدودسازِ بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، در خاورمیانه و سایر مناطق ژئوپلیتیک هم‌جوار مانند آسیای مرکزی، قفقاز و جنوب آسیا، ایفای نقش کرده است.

سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی، از آن‌جا که بین منافع و اهداف ملی و فراملی تزاخمی نمی‌بینند، همواره به دنبال نقش‌آفرینی در محیط خارجی بوده‌اند. اگرچه میزان و شیوه‌ی این کنش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با توجه به گفتمان‌های حاکم و توانایی‌های داخلی، قبض و بسط شده، اما حتی در سخت‌ترین شرایط، استمرار داشته است. نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی به شیوه‌ها و روش‌های مختلفی صورت می‌پذیرد که عمده‌ترین آن‌ها، دیپلماسی است. دیپلماسی نیز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که یکی از آن‌ها، دیپلماسی عمومی است که در گونه‌های عمومی و نوین اجرایی می‌شود. با توجه به تحولاتی که در عرصه‌های گوناگون رخ داده، جایگاه دیپلماسی عمومی نیز در عرصه‌ی سیاست بین‌المللی ارتقاء یافته است. جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف و منافع فراملی خود در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهان اسلام، از دیپلماسی عمومی استفاده می‌کند. اگرچه دیپلماسی عمومی با قدرت نرم مترادف نیست اما با آن رابطه‌ای تنگاتنگ دارد (ایزدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۱). به تعبیری، جوهره و شالوده‌ی دیپلماسی عمومی، اعمال و به کارگیری قدرت نرم برای مدیریت افکار جهانی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۷۴). با





توجه به جایگاه ارزش‌ها در قدرت نرم، برخی از تحلیل‌گران از مفهوم «نوپولیتیک»^۱ استفاده می‌کنند که نقطه‌ی مقابل «رئال پولیتیک»^۲ سنتی مبتنی بر «قدرت سخت» است. نوپولیتیک، نوعی سیاست خارجی است که در آن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و اخلاق در اولویت بوده و از راه «قدرت نرم» عمل می‌کند (Nancy & Taylor, ۲۰۰۹).

آنچه که به عنوان مسأله در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، نقش دیپلماسی عمومی در بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری است. روند تحولات دهه‌ی اخیر به‌ویژه موج جنبش بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری از دیپلماسی عمومی، برای تبیین ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی استفاده کرده‌اند. سؤالی که در ذیل مسأله‌ی مذکور صورت‌بندی شده از این قرار است: «دیپلماسی عمومی چه جایگاهی در کنش سیاسی مقام معظم رهبری در جریان بیداری اسلامی داشته است؟» فرضیه‌ی تحقیق یا پاسخ احتمالی به سؤال فوق این است که با توجه به جایگاه ویژه‌ی رهبری در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری، علاوه بر جایگاه رسمی، به دلیل شأن ارشادی که در سنت و سیره‌ی اسلام ریشه دارد، با مخاطب قرار دادن نخبگان و توده‌های مردم جهان اسلام، به‌ویژه در خلال تکوین موج جنبش بیداری اسلامی و تحولات انحرافی متعاقب آن، از دیپلماسی عمومی سنتی (با استفاده از روش‌های سنتی و فناوری‌های نوین) استفاده کرده‌اند.

درباره‌ی نقش و جایگاه مقام معظم رهبری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نیز دیپلماسی عمومی در اندیشه و کنش ایشان، پژوهش‌هایی انجام شده است. سجادپور در پژوهش مفصلی با اشاره به موقعیت برتر ایران در منطقه، به نقش مقام رهبری در ایجاد چنین نقشی در منطقه پرداخته است (Sadjadpour, ۲۰۰۹)، اما وی بر دیپلماسی عمومی تأکید نمی‌کند. پاکیان و همکاران (۱۳۹۸)، مؤلفه‌هایی همچون به رسمیت نشناختن اسرائیل، تقویت خط امام (ره)، مجموعه‌سازی در سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام را به عنوان شاخص‌های دیپلماسی عمومی مورد نظر مقام معظم رهبری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند. صادق‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، نقش رهبری را با توجه به مؤلفه‌هایی چون اعتباربخشی، اقناع‌سازی، مدیریت تصویر و

1. Noopolitik
2. Real politik



گفتمان‌سازی، بررسی کرده و بر بیداری اسلامی متمرکز نشده‌اند. نعیم‌آبادی و پالیزیشه (۱۳۹۹) نیز جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی کرده‌اند. هیچ‌کدام از این مقالات، موضوع دیپلماسی عمومی در محدوده‌ی زمانی دوره‌ی بیداری اسلامی و پس‌بیداری را بحث نکرده‌اند؛ درحالی‌که این مقاله با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، بنا دارد نقش دیپلماسی عمومی در بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری را مورد واکاوی قرار دهد.

۲. دیپلماسی عمومی سنتی به مثابه‌ی چارچوب تحلیلی

سابقه‌ی دیپلماسی در مفهوم کلی آن به پیدایش واحدهای سیاسی و تشکیل امپراتوری‌ها و دولت‌ها در تاریخ بشر باز می‌گردد اما دیپلماسی، طی دهه‌های اخیر تغییر و تحول بسیار یافته و ده‌ها نوع دیپلماسی در روابط بین‌الملل رواج یافته است. دیپلماسی را می‌توان به شیوه‌های مختلف دسته‌بندی کرد: جوزف منتویل^۱، دیپلماسی را به دیپلماسی مسیر اول و مسیر دوم تقسیم کرده است (سجادپور و نگین‌راز، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۵-۲۱۶). یکی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها، تقسیم دیپلماسی به رسمی و عمومی است. قدیمی‌ترین گونه‌ی دیپلماسی، «دیپلماسی رسمی» است. در دیپلماسی رسمی، مقامات رسمی دو یا چند کشور، با یکدیگر وارد گفت‌وگو و مذاکره می‌شوند. با پیدایش وزارت خارجه و کنسولگری‌ها، روابط مذکور سامان یافته و در یک تحول بنیادین دیگر، بخش عمده‌ی مذاکرات دیپلماتیک رسمی که در گذشته مخفی بود، آشکارا شد (Fransworth, ۱۹۹۲، ص. ۱۷۹). درحالی‌که دیپلماسی رسمی همچنان تداوم دارد، اما با پیشرفت‌های فنی، این مفهوم متحول شده است؛ به گونه‌ای که پس از پیدایش نخستین رسانه‌های ارتباطی، نشانه‌های پیدایش گونه‌ی جدیدی از دیپلماسی تحت عنوان «دیپلماسی عمومی»^۲ پدیدار شد (Saddiki, ۲۰۰۶، ص. ۹۴). هرچند اصطلاح دیپلماسی عمومی در سال ۱۹۶۵ توسط ادmond گولیون^۳، دیپلمات و محقق آمریکایی به مثابه‌ی ابزار سیاست خارجی به کار برده شد و در دهه‌ی ۱۹۹۰ مورد استفاده‌ی عام قرار گرفت، اما سابقه‌ی پیدایش این اصطلاح، به سال ۱۸۵۱ در روزنامه تایمز لندن می‌رسد (Nancy & Taylor, ۲۰۰۹، ص. ۱۹-۲۲). براین اساس، برخی به دیپلماسی عمومی به عنوان

1. Joseph Montville
2. public diplomacy
3. Edmond gullion



مطلوب‌ترین وسیله‌ی تفاهم بین مردم در صحنه‌ی بین‌المللی نگاه می‌کنند و برخی دیگر آن را بخشی از سیاست خارجی و ابزاری جهت دستیابی به اهداف ملی دانسته و کسان دیگری آن را در چارچوب یک راهبرد وسیع به منظور نفوذ و شکل‌دهی افکار، نگاه می‌کنند. برخی، دیپلماسی عمومی را نحوه‌ی نفوذ بر مردم و افکار عمومی جوامع سایر کشورها تلقی می‌کنند (Waller، ۲۰۰۷، ص. ۲۳) و برخی دیگر، با تأکید بر نقش مطبوعات و رسانه‌ها، آن را عامل مهم فراملی در تأثیرگذاری بر روابط متقابل بین دولت‌ها و مردم در روابط بین‌الملل تعریف می‌کنند (Waller، ۲۰۰۷، ص. ۲۳). هانس تاچ^۱، دیپلماسی عمومی را فرایندی می‌داند «برای ایجاد ارتباط با مردمان خارجی؛ تلاش برای به وجود آوردن درکی مطلوب از ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها، فرهنگ و نهادهای آن‌ها و همین‌طور سیاست و اهداف ملی برای آن مردم» (ملیسن، ۱۳۸۹، ص. ۵۳-۵۴). برخی، دیپلماسی عمومی را «استفاده‌ی نظام‌مند از ظرفیت افکار عمومی و تأثیر آن بر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان تعریف کرده‌اند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص. ۸۷). طی سال‌های اخیر، دیپلماسی عمومی نیز متحول شده و به «دیپلماسی عمومی سنتی» و «دیپلماسی عمومی نوین» تقسیم‌بندی شده است. گونه‌ی نوین دیپلماسی عمومی، بیش از هر عاملی، متأثر از رسانه‌های جدید ارتباطی است (شکل شماره یک).

دیپلماسی عمومی دارای مؤلفه‌هایی است که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

- مخاطب قراردادن مردم خارج از کشور: دیپلماسی عمومی، معطوف به مخاطبان خارجی است و هسته‌ی اصلی آن، ارتباط هدایت‌شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها است (گیلوا، ۱۳۸۸، ص. ۸۰). بر این اساس، دیپلماسی عمومی به عنوان وسیله‌ی ارتباطی دولت با شهروندان سایر کشورها، به منظور شناساندن و ایجاد درک و فهم آرمان‌ها و تفکرات، نهادها و فرهنگ، نیز اهداف و سیاست‌های جاری ملی است؛ لذا دربرگیرنده‌ی ارسال پیام، اندیشه‌ها و یا اطلاعات به گونه‌ای است که بتوان مردم سایر کشورها را تحت تأثیر قرارداد و آنان را در جهت درک اهداف ملی خود، متقاعد کرد. به عبارتی، از دیپلماسی عمومی به عنوان وسیله‌ای برای تبادل آزاد اندیشه‌ها، عقاید و اطلاعات بین جوامع یاد می‌کنند (Waller، ۲۰۰۷، ص. ۲۳) بر این اساس، امروزه، افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود؛ بنابراین، کشورها نمی‌توانند همچون گذشته، تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند بلکه



برای تأثیرگذاری بیش‌تر، نیازمند برقراری ارتباط هدفمند با مخاطبان و به ویژه نخبگان هستند؛ از این‌رو از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی در این رابطه بهره می‌برند. یکی از مهم‌ترین ابزارها، استفاده از دیپلماسی عمومی در دستگاه سیاست خارجی است. در دیپلماسی عمومی، تلاش عمده‌ی سیاست‌گذاران، ارتباط با مخاطبان و نخبگان برای جهت‌دهی به افکار عمومی است. از این منظر، قدرت نرم، منبع دیپلماسی عمومی تلقی می‌شود. تبلیغات، یکی از منابع قدرت نرم و دیپلماسی عمومی است که از طریق سخنرانی، کنفرانس، همایش، پیام، نامه و... صورت می‌گیرد. تبلیغات اگر بتواند اعتماد مخاطب را جلب نماید، یکی از کارویژه‌های دیپلماسی عمومی است و توده‌ی مردم را مخاطب قرار می‌دهد؛ لذا تبلیغات در حوزه‌ی سیاست خارجی، در چارچوب استدلال و موعظه به منظور ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی انجام می‌پذیرد.

- **فراگیر بودن:** دیپلماسی عمومی، خود، ظرفیتی وسیع برای بسط و رقابت دارد. همراه با جریان فزاینده‌ی انقلاب اطلاعات و توسعه‌ی فرهنگ اینترنتی، قدرت نرم به ویرای محدودیت‌های مرزهای جغرافیایی، قومیت ملی و زمان و فضا راه پیدا کرده است. این پدیده، پیشرفت جامعه را تقویت می‌کند و به طرز شگفت‌آوری بر سبک زندگی و استانداردهای رفتاری انسان‌ها تأثیر می‌گذارد.

- **شفافیت، باز بودن و انعطاف‌پذیر بودن:** از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی، شفافیت، باز بودن و انعطاف‌پذیر بودن آن است؛ به این معنا که فراتر از مدل سلسله‌مراتبی بسته و انحصاری رفته و با بازیگران غیرحکومتی ارتباط مستقیم بر قرار می‌کند (هادیان و احدی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹).

- **سیاست اقناع:** یکی از شیوه‌های دیپلماسی عمومی، اقناع‌سازی مخاطبان و بیان اصول ارزش‌های انسانی و خیرخواهانه است (صادق‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۸۶). دیپلماسی عمومی بر خلاف دیپلماسی سنتی که بر سیاست قهرآمیز و اجبار استوار بوده است، بر سیاست اقناع تأکید دارد و از همین روی مسأله‌ی شناخت مخاطب، یکی از مباحث مورد توجه در دیپلماسی عمومی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۷۹).

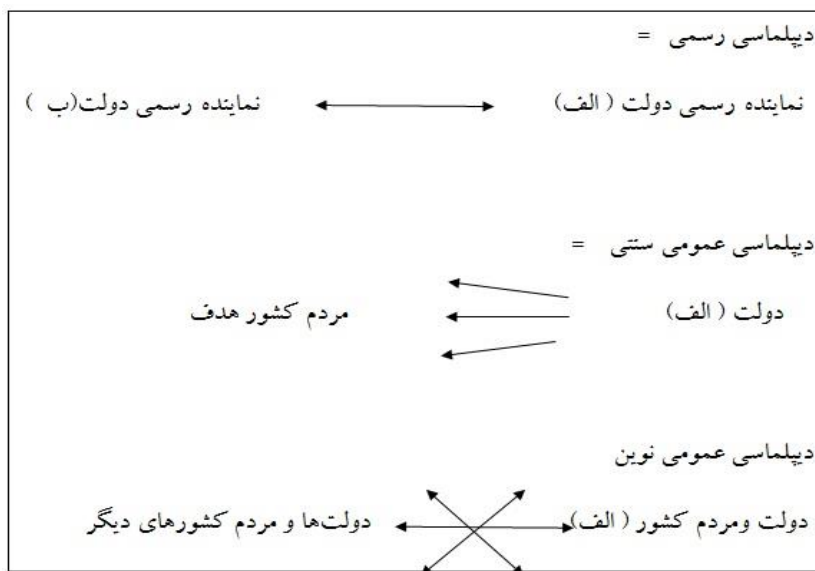
- **هم‌گرایی:** یکی دیگر از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی، گسترش فرهنگ صلح و دوستی در جهان خشونت‌زده‌ی کنونی است. دیپلماسی عمومی که متکی بر تفاهم و علایق متقابل است، بر اشتراکات مردم تأکید دارد.

- **برقراری روابط پایدار و درازمدت:** اعطای بورس‌های تحصیلی، تبادل استاد و دانشجو، برگزاری دوره‌های آموزشی، تشکیل سمینارها و کنفرانس‌ها و ایجاد شبکه‌های

ارتباطی مجازی از طریق وسایل ارتباطی - اطلاعاتی، از روش‌های برقراری ارتباط مؤثر است. برقراری ارتباطات درازمدت، این امکان را به وجود می‌آورد که درعین ایجاد یک تصویر مثبت و مطلوب از طریق ارتباطات راهبردی، اجازه می‌دهد دیدگاه‌ها، نظرات و تحلیل‌های مشترک ظهور کند که این خود بر روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بین کشورها تأثیر مثبت می‌گذارد (Nye & Owens، ۱۹۹۶).

- **ارتباطات راهبردی، ایجاد یک تصویر مطلوب:** دیپلماسی عمومی به دنبال ارائه‌ی یک تصویر مطلوب از اهداف مورد نظر است؛ براین اساس، انقلاب اسلامی با توجه به سابقه‌ی تمدنی، فرهنگی، ایدئولوژی و... به دنبال صدور و یا ارائه‌ی تصویر مطلوب از خود برای مردم مسلمان جهان بوده و هست. هدف از مدیریت تصویر در دیپلماسی عمومی، بیان واقعیت‌ها و جلوگیری از کژتابی‌های ایجاد شده توسط دشمنان، از طریق ایجاد رابطه‌ی پایدار و منطبق با واقعیت با مخاطبان است (صادق‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۸۹).

در هر صورت ویژگی اصلی دیپلماسی عمومی، در چندوجهی بودن آن است که آن را از دیگر اهرم‌های سیاست خارجی دولت‌ها متمایز می‌کند. به عبارت دیگر، با قرار گرفتن در بین حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، علمی، هنری، اجتماعی و غیره، دیپلماسی عمومی می‌تواند از همه‌ی اهرم‌های مزبور در این حوزه‌ها بهره‌مند گردد و در راستای تحقق و اهداف سیاست خارجی، عمل کند.



شکل شماره یک: بازیگران در گونه‌های مختلف دیپلماسی (پورحسن، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۷)





با توجه به مطالب مذکور می‌توان دیپلماسی عمومی سنتی را به عنوان چارچوبی تحلیلی برای این مقاله استفاده کرد. مقام معظم رهبری به لحاظ مرجعیت دینی، شأن ولایت فقیه، رهبری نظام جمهوری اسلامی و ویژگی‌های منحصر به فرد اخلاقی، به عنوان منبع قدرت نرم (صادق‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۷۶)، با اعلام مواضع، ارسال نامه، استفاده از فضای مجازی برای آگاه‌سازی و تبیین مواضع و تصویرسازی و گفت‌وگو، دیپلماسی عمومی سنتی را به‌ویژه در جریان بیداری اسلامی مورد استفاده قرار داده‌اند. با توجه به این که امروزه رهبران و مقامات سیاسی کشورهای مختلف از فناوری‌های نوین ارتباطی استفاده می‌کنند، به این دلیل اصطلاح جدیدی با عنوان «توییپلماسی» یا «توییتر-دیپلماسی» وضع شده است؛ سیاست‌مداران از طریق توییتر، با مخاطبان گسترده‌ای در کشورهای مختلف ارتباط برقرار کرده و مرزهای دیپلماسی عمومی خود را توسعه داده‌اند (برزویی و همکاران، ۱۴۰۱). مقام معظم رهبری، درباره‌ی اهمیت فضای مجازی در شرایط جدید فرموده‌اند: «قوی شدن کشور جزء هدف‌های ما است. امروز قوت در فضای مجازی، حیاتی است؛ امروز فضای مجازی، حاکم بر زندگی انسان‌ها است در همه‌ی دنیا؛ و یک عده‌ای همه‌ی کارهایشان را از طریق فضای مجازی پیش می‌برند؛ قوت در این [زمینه] حیاتی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۳/۳). در چنین شرایطی، مقام معظم رهبری، دیپلماسی عمومی سنتی را با استفاده از فناوری‌های جدید رسانه‌ای، به درستی به کار بسته‌اند.

۳. دیپلماسی عمومی سنتی جمهوری اسلامی در جهان اسلام

شالوده و جوهر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را نظریه‌ی «صدور انقلاب» شکل می‌دهد که الهام گرفته از اصل «دعوت» در آموزه‌های اسلامی است و به طور رسمی و علنی، در مجموعه اهداف سیاست خارجی ایران نیز بازتاب یافته است. جمهوری اسلامی ایران با به‌کارگیری بیش‌ترین توان خود برای مدیریت افکار عمومی در سایر جوامع، می‌کوشد تا این دغدغه را جامه‌ی عمل ببوشاند. دیپلماسی عمومی ایران به مثابه‌ی یکی از ابعاد و نظریه‌های سیاست خارجی عبارت است «از تلاش و کوشش سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر برداشته‌ها، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها و باورهای دیگر ملت‌ها از طریق تبیین و اشاعه‌ی آموزه‌ها و هنجارهای اسلامی و انقلابی» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۵۶).

از سوی دیگر، طبق اصل ۱۵۴ قانون اساسی، حمایت از مردم مستضعف، مسلمان، مظلوم و نهضت‌های آزادی‌بخش بدون دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، از وظایف اصلی دولت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران، این هدف را با به‌کارگیری منابع

فرصت‌ساز «قدرت نرم»، در چارچوب دیپلماسی عمومی پیگیری می‌کند. در حقیقت، چند دهه قبل از آن که «جوزف نای» صحبتی از قدرت نرم به میان آورد، قدرت نرم در بطن انقلاب ایران تولید شد و این میشل فوکو بود که آن را در جامعه‌ی ایرانی - با ذکر دقیق عبارت قدرت نرم - به جهانیان معرفی کرد (فوکو، ۱۳۷۷، ص. ۳۴). تولید قدرت نرم و رابطه‌ی ویژه‌ی رهبری و مردم، به مقطع زمانی وقوع انقلاب و محیط درونی جمهوری اسلامی محدود نشد، بلکه با شروع جنگ تحمیلی، به فراسوی مرزهای ایران راه یافت. در پایان جنگ تحمیلی، به دلیل ضعف مفهوم‌سازی در علوم سیاسی بومی ایران، پژوهش‌گران خارجی چون جیمز بیل، در این زمینه مفهوم‌سازی کردند (بیل، ۱۳۷۱، ص. ۶۵).

جیمز بیل، ایران‌شناس امریکایی، جایگاه قدرت نرم، به‌ویژه عنصر شهادت در جنگ تحمیلی را در جملاتی صریح مطرح می‌کند. وی نقش شهادت را در نابرابرترین جنگ تاریخ معاصر چنین بیان کرده است: «خمیرمایه‌ی روحیه‌ی بالا که پشتوانه‌ی تلاش‌های جنگی ایران است، در مفاهیم جهاد و شهادت نهفته است؛ لیکن هر مسلمان معتقد، ذاتاً آن را درک می‌کند... نظام اعتقادی اسلام که مفاهیم جهاد و شهادت اساس آن است، تأثیرات بسیاری بر روحیه و شادابی جمهوری اسلامی ایران دارد. این نظام اعتقادی، آشکال قدرتمندی از شهادت و بی‌باکی را می‌آفریند که برای پیروزی در صحنه‌ی نبرد، حیاتی است» (بیل، ۱۳۶۷، ص. ۴۲۳-۴۲۰).

آموزه‌ها و ارزش‌های دینی که هسته‌ی اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ایرانیان را شکل می‌دهد، مبتنی بر فطرت بوده و پایداری درخور توجهی در مقایسه با دیگر منابع قدرت نرم دارد، و ازسوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایرانیان و بسیاری از جوامع کشورهای دیگر - به‌ویژه کشورهای مسلمان - پیش رو می‌نهد که زمینه‌ی مناسبی برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند؛ در دوران پس از انقلاب، پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، به‌ویژه در حوزه‌ی جهان اسلام در مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، باعث شد تا بسیاری از روشنفکران، نخبگان و مردم کشورهای اسلامی با جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن همراهی کنند؛ از این رو می‌توان گفت ایران، به واسطه‌ی رسمیت یافتن اهداف و احکام اسلامی تا حد زیادی توانایی الهام‌بخشی و جذب دیگر کشورهای اسلامی را یافته است و مذهب شیعه نیز به‌ویژه در مناطق پیرامونی ایران، از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، روابط ویژه‌ی رهبری و مردم از طریق دیپلماسی





عمومی سنتی، به قلمرو مرزهای ایران محدود نشد و با توجه به اهداف و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، به فراسوی مرزهای ایران نیز راه یافت. با توجه به شأن مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی که برگرفته از سنت و سیره‌ی حاکمان اسلامی، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، جمهوری اسلامی توانست بر جهان اسلام تأثیر اساسی بگذارد.

سیره و عمل امام خمینی (ره) نیز در برقراری رابطه‌ی مستقیم با نخبگان فکری و گروه‌های مرجع در خاورمیانه، یکی از پایه‌های اساسی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی را شکل داد. ایشان از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی، برخلاف مناسبات حاکم بر دیپلماسی رسمی، با خطاب قرار دادن ملت‌ها، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی را بنیان نهادند. امام (ره) با توجه به ناکارآمدی دیپلماسی رسمی، با نام‌گذاری روز بین‌المللی قدس، همه‌ی مسلمانان جهان را به دفاع از مسأله‌ی اصلی جهان اسلام فراخواند. حضرت امام با توجه به ماهیت صهیونیسم و اهداف توسعه‌طلبانه‌ی آن و ناتوانی کشورهای عربی از آزادی قبه‌ی نخست مسلمین (بیت المقدس)، آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان را روز قدس نامیدند.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، هرساله در پیام برائت از مشرکین، توده‌های مردم و نخبگان جهان اسلام را به مبارزه با استبداد و استکبار فرا می‌خواندند. ایشان در مرداد ماه ۱۳۶۶، در پیامی خطاب به زائران حج ابراهیمی، از پیروزی قطعی بیداری اسلامی در منطقه خبر داده و فرمودند: «...امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۸، ص. ۳۳۱). امام بیش از آن که بر دیپلماسی رسمی تأکید داشته باشد، بر دیپلماسی عمومی تأکید داشت. نامه‌نگاری ایشان با گورباچف، بیش از آن که به رئیس دولت شوروی باشد، مخاطبش توده‌ی مردمی بود که تحت حاکمیت کمونیست‌ها زیست می‌کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۰-۳۱۴).

۴. آیت‌الله خامنه‌ای، دیپلماسی عمومی و بیداری اسلامی

مقام معظم رهبری طی سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به دیپلماسی عمومی داشته‌اند، به گونه‌ای که در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت خارجه، سفرا و رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور فرمودند: «دیپلماسی عمومی از ابتکارات جمهوری اسلامی ایران است و باید توجه بیش‌تری به آن شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۹). اگرچه جنبش بیداری اسلامی در اوایل سال ۲۰۱۱، آغاز شد اما در حقیقت آغاز آن در سال ۲۰۰۶ بود که جنبش حزب‌الله لبنان برای

نخستین بار رژیم صهیونیستی را شکست داد. پس از جنگ ۳۳ روزه و نیز مقاومت فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه، بر این رژیم غلبه شد. حزب الله و حماس، دو دولت نیستند، بلکه دو گروه از نخبگان فکری و مقاومت هستند که بدون دیپلماسی رسمی و متأثر از دیپلماسی عمومی و تأثیرپذیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری، منطقه را وارد مرحله‌ی جدیدی کرده‌اند. این تأثیرگذاری را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

۴-۱. مخاطب قراردادن مردم خارج از کشور

از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی، معطوف بودن به مخاطبان خارجی است. مخاطبان؛ توده‌ی مردم، گروه‌ها، احزاب، نخبگان فکری، نخبگان ابزاری و... را شامل می‌شود. درحالی‌که جهان غرب با دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی نوین تلاش می‌کرد که روند جنبش بیداری اسلامی را در کشورهای هم پیمان خود در شمال آفریقا و خاورمیانه‌ی عربی، متوقف، مهار و یا کنترل کند، مقام معظم رهبری با بهره‌گیری از اساسی‌ترین شیوه‌ی دیپلماسی عمومی، خطاب به نخبگان و توده‌های مردم منطقه به‌ویژه مصر، خواستار قیام آن‌ها شد. بیانات ایشان را می‌توان بارزترین سند دیپلماسی عمومی تلقی کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵). معظم‌له در خطبه‌ی عربی که در مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ ایراد کردند، به‌طور مستقیم توده‌ی مردم، نخبگان، احزاب، گروه‌ها، و... کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه‌ی عربی را مورد خطاب قرار دادند. مهم‌ترین بخش‌های این خطبه‌ی تاریخی در عرصه‌ی دیپلماسی عمومی، به شرح زیر است:

برادران مسلمان ما در هر جا که باشید! سلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته... مردم مصر و تونس و لیبی بدانند که آنچه اینک دارند، هنوز يك انقلاب ناتمام است و گرچه گام‌های بلندی برداشتند، ولی ماجرا تازه آغاز شده است. مسائلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برای ما پیش آوردند و هنوز ادامه دارد و به فضل الهی در همه‌ی آن‌ها شکست خورده‌اند و خواهند خورد، صدها برابر مشکلاتی بود که انقلاب تا پیش از سرنگونی شاه داشت. باید هوشیار باشید و انقلاب‌هایتان را گام‌به‌گام تا آخرین مراحل و در يك برنامه‌ی میان‌مدت و بلندمدت پیش ببرید.... مخاطب سوم ما، احزاب و نخبگان سیاسی در مصر و سایر کشورهای به‌پاخاسته‌اند. متفکران و مبارزان اسلامی در شمال آفریقا، از مصر و تونس تا الجزائر و مغرب، و به‌ویژه مصر، از پدران فکر بیداری اسلامی و داعیان به وحدت و عزت امت و سپس رهایی قدس بوده‌اند. امروز شما وارثان خون هزاران شهید و ده‌ها هزار زندان‌کشیدگان و تبعیدیدگان و شکنجه‌شدگان و مجاهدان و مبارزانی هستید که ظرف دهه‌های متوالی برای



۳



چنین روزها و پیروزی‌هایی فداکاری کردند. برادران و خواهرانم! مراقب این امانت بزرگ باشید. ... به آمریکا و ناتو اعتماد نکنید. آنان هرگز به مصالح شما و منافع ملت شما نمی‌اندیشند... تنها به خدای متعال اعتماد کنید و فقط مردم خود را باور کنید. آنان در عراق شکست خوردند و با دست‌های خالی خارج شدند؛ در افغانستان چیزی به دست نیاورده‌اند؛ در لبنان از حزب‌الله و در غزه از حماس شکست خوردند و اینک در مصر و تونس به دست مردم، به پائین کشیده شده‌اند... اسرائیل، رفتنی است، نباید بماند و نخواهد ماند. شروع انحراف در نهضت‌های کنونی، تن دادن به بقاء رژیم صهیونیستی است و ادامه‌ی مذاکرات سازش و تسلیم که رژیم‌های ساقط شده‌ی آن را پایه‌گذاری کردند.

از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی، توجه به فرهنگ و ارزش‌ها است که مقام رهبری بر این پایداری ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اسلامی تأکید دارند. ایشان می‌فرمایند:

خواست عمومی ملت‌هایتان، بازگشت به اسلام است که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلاب‌ها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمان‌ها ان‌شاء‌الله جبران کنید ... دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصول‌گرای معتدل و عقلانی» در میان انقلاب‌های منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و به‌دقت تعریف کنید (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

از آن‌جا که ارتباط با توده‌های مردم دیگر کشورها، همیشه امکان‌پذیر نیست، از این‌رو نخبگان فکری و سیاسی می‌توانند خلاً مذکور را پرکنند. بنابراین، ارتباط با نخبگان یک کشور می‌تواند در روند دیپلماسی عمومی بسیار تأثیرگذار باشد. بنابراین دیپلماسی عمومی متضمن و مستلزم ارتباط با گروه‌های مرجع، گروه‌های ذی‌نفوذ، نخبگان مذهبی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای به عنوان سازندگان افکار عمومی و کلیه‌ی شهروندان، برای شکل‌دهی و هماهنگ‌سازی آنان با اهداف سیاست خارجی یک کشور است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۴). از نشانگان مهم اثرگذاری دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی بر جنبش بیداری اسلامی، برگزاری چندین اجلاس و همایش بیداری اسلامی در جمهوری اسلامی است. رابطه‌ی این نشست‌ها با دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی وقتی مشخص می‌شود که

ترکیب شرکت‌کنندگان مشخص شود. شرکت‌کنندگان در این اجلاس‌ها برخلاف دیگر نشست‌هایی که برای مثال در ترکیه، قطر و عربستان سعودی برگزار شد، شامل نخبگان فکری و گروه‌های مرجع جهان اسلام، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه‌ی عربی و شمال آفریقا بودند نه مقامات سیاسی و سران اپوزیسیون‌ها.

ایجاد دبیرخانه‌ی دائمی بیداری اسلامی به ریاست علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری و برگزاری ده‌ها نشست و کنفرانس بین‌المللی مختلف، در راستای تحقق این هدف بوده است. یکی از نکات بسیار مهم در این رابطه، حضور مقام معظم رهبری در بسیاری از این کنفرانس‌ها و دیدار مستقیم با شرکت‌کنندگان و سخنرانی در این نشست‌های بین‌المللی است. معظم‌له، در چارچوب دیپلماسی عمومی، درباره‌ی ابعاد مختلف بیداری اسلامی، در این همایش‌ها، با حضار دیدار مستقیم و رهنمود داشته‌اند.

با توجه به این که یکی از مباحث بسیار مهم در دیپلماسی عمومی، مخاطب‌گزینی است (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص. ۸۸) و در این میان، نخبگان فکری و گروه‌های مرجع و تأثیرگذار و نه نخبگان سیاسی حاکم، در اولویت برقراری ارتباط قرار دارند، نخبگان گروه‌های مختلف، اعم از روحانی، دانشگاهی، زنان و جوانان کشورهای منطقه، در چندین کنفرانس در تهران شرکت کردند. از جمله اهداف مهم برگزاری این نشست‌ها که با استقبال گسترده‌ای نیز مواجه می‌شد، «آگاه‌سازی» آنان از واقعیت‌های انقلاب اسلامی، فراسوی تبلیغات غلط غرب و نیز «اعتمادسازی» در میان آن‌ها نسبت به انقلاب اسلامی بوده است.

۴-۲. برقراری روابط پایدار و درازمدت

برقراری روابط پایدار و درازمدت، با برگزاری دوره‌های آموزشی، تشکیل سمینارها و کنفرانس‌ها و ایجاد شبکه‌های ارتباطی مجازی، از طریق وسایل ارتباطی - اطلاعاتی انجام می‌شود. برقراری روابط درازمدت، با ارسال پیام یک‌سویه، از این نظر متفاوت است که امکان گفت‌وگو، تبادل نظر و نشست‌هایی مشترک را در پی خواهد داشت. در این نشست‌ها و گفت‌وگوها، هر یک از طرفین، نظرات و دیدگاه‌های خود را در تعامل با دیگری بیان می‌کنند. اجلاس بیداری اسلامی که در شهریورماه ۱۳۹۰ در تهران برگزار شد، کانون حضور نخبگان فکری و سیاسی جنبش بیداری اسلامی بود. در این کنفرانس که دارای بازتاب بین‌المللی گسترده‌ای بود، گروه‌های مرجع از همه‌ی کشورهای منطقه شرکت کرده بودند. مقام معظم رهبری علاوه بر دیدار با بسیاری از نخبگان مذکور، در سخنرانی افتتاحیه، تحلیل بسیار جامعی درباره‌ی این جنبش ارائه کردند. بخش اول بیانات ایشان به هویت و ماهیت





جنبش بیداری اسلامی و تفاوت آن با دیگر تحولات جهان عرب در دهه‌های گذشته مرتبط بود. بخش‌های دوم و سوم به خطرات و آسیب‌های بزرگی که ممکن است بر سر راه جنبش بیداری اسلامی پیش آید و نیز پیشنهادهایی در علاج‌جویی و پیش‌گیری از آسیب‌ها و خطرهای مذکور اختصاص یافت. برگزاری این اجلاس، یک ارتباط راهبردی بود و تصویر مطلوبی از انقلاب اسلامی برای بیداری اسلامی ارائه نمود. متن بیانات معظم‌له در دو بخش آخر به شرح زیر است:

... در موضوع آسیب‌ها و خطرها: نخست باید تأکید کنم که خطر هست، ولی راه مصونیت از آن نیز هست. توجه به خطر نباید ملت‌ها را بترساند. بگذارید دشمنان از شما بترسند و بدانید که: «انّ کید الشّیطان کان ضعیفا» (نساء، ۸۶). خداوند درباره‌ی گروهی از مجاهدان صدر اسلام می‌فرماید: «الَّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایماناً و قالوا حسبنا اللّهُ و نعم الوکیل. فانقلبوا بنعمة من اللّهُ و فضل لم یمسّهم سوء و اتّبعوا رضوان اللّهِ و اللّهُ ذو فضل عظیم» (آل عمران، ۷۳). خطرها را باید شناخت تا در مواجهه با آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد... نخبگان شجاع و جوان‌ها باید این ترس را از دل‌ها بیرون کنند... آسیب‌های دسته‌ی دوم را غالباً ملت‌های این منطقه در حوادث گوناگون آزموده‌اند. نخستین آسیب، بر روی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به آمریکا و غرب می‌دانند... در این مرحله اگر با مقاومت و هوشیاری مردم مواجه شوند، می‌کوشند تا بدیل‌های انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو می‌تواند پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌هایی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی به غرب بیفکند و می‌تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگرداندن سلطه‌ی غرب و تثبیت مدل‌های نوسازی شده‌ی غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط آن‌ها بر اوضاع است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

معظم‌له در ادامه می‌فرماید:

توصیه‌ی مهم آن است که خود را همواره در میدان بدانید: «فاذا فرغت فانصب» (شرح، ۷). همیشه خداوند را حاضر و کمک‌کار خود بدانید: «و الی ربّک فارغب» (شرح، ۸). و پیروزی‌ها ما را دچار غرور و غفلت نکند: «اذا جاء نصر اللّهِ و الفتح و رأیت النّاس یدخلون فی دین اللّهِ افواجاً فسبح بحمد ربّک و استغفره انه کان توابا» (نصر ۱-۳). این‌ها پشتوانه‌های حقیقی یک ملت مؤمن

است. توصیه‌ی دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است؛ نگذارید اصول اسلامی در پای منافع زودگذر قربانی شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

برقراری ارتباط و در عین حال شفاف بودن که از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی هستند، توسط مقام معظم رهبری جهت بیداری جهان اسلام به طرق زیر عملیاتی شد:

۴-۲-۱. اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی

جهان غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن‌ها، با عنوان‌گذاری متعارض «بهار عربی»، از یک طرف ادعا می‌کردند که این جنبش توسط جوانان به وجود آمده و تلاش می‌کردند با گفتمان‌سازی خاص خود، ماهیت اسلامی آن‌را بزدایند و از طرف دیگر، با دیپلماسی رسمی به مهار جنبش می‌پرداختند. این در حالی بود که جمهوری اسلامی با شناخت دقیق نیروهای اجتماعی و گروه‌های تأثیرگذار در جنبش بیداری اسلامی، ضمن ارتباط‌گیری با نخبگان مختلف، به گروه مرجع علما و روحانیون، توجه بیش‌تری می‌کرد. به این دلیل اجلاس بین‌المللی علمای جهان اسلام، در جمهوری اسلامی برگزار شد تا درباره‌ی جنبه‌های مختلف این جنبش، هم‌اندیشی شده و از تجربیات انقلاب اسلامی استفاده شود. مقام معظم رهبری، در این اجلاس، با اشاره به نقش تاریخی علما در امواج پیشین بیداری اسلامی و یادآوری جایگاه افرادی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، حسن البنا و رهبری امام خمینی (ره)، فرمودند:

روحانیان و رجال دین‌شناس کمابیش در همه‌جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده‌اند و هر جا که در هنگامه‌ی تحولات بزرگ، در نقش هدایت‌گر و پیش‌رو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده‌اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره‌ی آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه‌ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزش‌های اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

مقام معظم رهبری در این اجلاس، به یکی از آسیب‌های بسیار جدی پیش‌روی جنبش بیداری اسلامی، یعنی اختلاف مذهبی اشاره کردند. توطئه‌ای که از آغاز بیداری اسلامی در دو قرن پیش تاکنون، در کانون توجه غربی‌ها قرار گرفته است. معظم‌له در این باره خطاب به حاضرین در اجلاس فرمودند:

امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، اختلاف‌افکنی





و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. باید به شدت مراقب و در پی علاج بود. این‌ها است که علمای دین و مصلحان منصف را به تأمل و دقت و احساس مسئولیت فرا می‌خواند و شناختن هدف‌های دشمنان در عمده کردن اختلافات مذهبی و قومی و حزبی را بر همه فرض می‌سازد (خامنه‌ای، ۹/ ۱۳۹۲/۲).

۴-۲-۲. کنفرانس وحدت اسلامی (هم‌گرایی جهان اسلام)

دیپلماسی عمومی متکی بر تفاهم و علائق متقابل است، بر اشتراکات مردم تأکید دارد و به دنبال رفع تضادها می‌باشد؛ به همین دلیل مقام معظم رهبری بر اشتراکات فرهنگی، ایدئولوژی و دین اسلام برای هم‌گرایی مردم مسلمان منطقه و جهان تأکید دارند. مقام معظم رهبری پیش از اجلاس علما، در نشست وحدت اسلامی، مسأله اختلاف مذهبی را یادآوری کرده بودند:

امروز، مهم‌ترین دستاویز دشمن برای مقابله‌ی با بیداری اسلامی، ایجاد اختلاف است. مسلمان را در مقابل مسلمان قرار دادن، مسلمان را به دست مسلمان از بین بردن، این‌ها را به هم مشغول کردن؛ چه چیزی بهتر از این برای دشمنان استقلال اسلامی که مسلمانان را به هم مشغول کنند؟ ... امروز سیاست دشمنان بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا هم، ایجاد اختلاف است. سیاست استکبار همین است؛ این‌ها را به جان هم بیندازند، این‌ها را در مقابل هم قرار دهند (خامنه‌ای، ۱۰/۱۱/۹۱).

هم‌گرایی که از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی است، راهکاری است که رهبر معظم انقلاب برای برون‌رفت از اختلافات مذهبی متذکر شده و می‌فرماید: «علاج این بیماری، احساس اتحاد بین مسلمین است؛ ملت‌های مسلمان باید با هم متحد شوند. در داخل هر کشور، گروه‌های مختلف، مذاهب مختلف، جناح‌های مختلف، باید دست‌به‌دست هم بدهند؛ اختلافات فکری و عقیدتی و سیاسی و سلیقه‌ای و جناحی را بر حرکت‌های اساسی خودشان حاکم نکنند، تا بتوانند در مقابل دشمن بایستند» (خامنه‌ای، ۱۰/۱۱/۹۱).

۴-۲-۳. اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی

با توجه به این‌که بسیاری از اساتید دانشگاه‌های جهان عرب، بر اساس برنامه‌های بلندمدت غرب در حوزه‌ی دیپلماسی عمومی، از دانشگاه‌های غرب، دانش آموخته شده‌اند و یا این‌که در شعبات دانشگاه‌های معروف غرب در جهان عرب تحصیل کرده‌اند، بنابراین، آن‌ها در چنین شرایطی، می‌توانند یکی از ابزارهای تأثیرگذاری غرب باشند. با این وصف، بسیاری از اساتید کشورهای خاورمیانه، با بحران هویت مواجه شده و از عدم استقلال واقعی کشورهای

خود نگران هستند. به این دلیل بسیاری از آن‌ها نیز در صف مقدم بیداری اسلامی و بازگشت به هویت اسلامی هستند. اساتید دانشگاه‌ها می‌توانند نقش دوگانه در روند بیداری اسلامی داشته باشند. با توجه به تأثیرگذاری گروه مرجع اساتید دانشگاه در بیداری اسلامی، نشستی بین‌المللی با حضور بسیاری از آن‌ها در تهران برگزار شد. مقام معظم رهبری در این اجلاس نیز شرکت کردند و درباره‌ی اهمیت این گروه در بیداری اسلامی فرمودند:

در جریان بیداری، تقریباً از يك سال ونیم پیش تا امروز، دیدارها و اجلاس‌ها و نشست‌های متعددی درباره‌ی بیداری اسلامی در تهران تشکیل شده، لیکن به نظر می‌رسد که اجلاس و نشست اساتید از يك اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ایجاد يك فکر، يك گفتمان، يك جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آن‌ها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به يك سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواستہ می‌توانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود... بنابراین، اساتید دانشگاه، فرزندانگان و نخبگان علمی در هر کشوری، می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۹/۲۱).

۴-۲-۴. اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی

نقش زنان در جریان جنبش بیداری اسلامی غیرقابل چشم‌پوشی است. زنان در کشورهای عربی با دو گزینه‌ی آزادی غربی یا حذف شدن از صحنه‌ی اجتماعی مواجه هستند. در اکثر این کشورها تلاش می‌شود که زنان از سنن اسلامی دور شوند و یا این که حق حضور در عرصه‌ی جامعه را نداشته باشند. تفکر وهابیت که بر عربستان و جنبش سلفیسم و القاعده حاکم است، زنان را به طور کلی نادیده می‌گیرد. در دوره‌ی حکومت طالبان، زنان، به طور کامل، از زندگی اجتماعی حذف شدند و در عربستان سعودی نیز زنان، نه تنها حق رای و راندگی ندارند، بلکه از داشتن شناسنامه نیز محروم‌اند. با این اوصاف، زنان خاورمیانه، راه وسط را در جنبش بیداری اسلامی یافتند که هم هویت نادیده‌گرفته‌شده را به آن‌ها بازمی‌گرداند و هم مشارکت در عرصه‌ی اجتماع را در چارچوب ارزش‌های اسلامی برای آن‌ها فراهم می‌کند. در این راستا، هزاران تن از زنان کشورهای اسلامی برای استفاده از تجربیات زنان ایران اسلامی، در اجلاس بین‌المللی زنان و بیداری اسلامی در تهران شرکت کرده و از بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری مستفیض شدند. ایشان در این اجلاس فرمودند:

این اجتماع شما به نظر من بسیار حائز اهمیت است. اجتماع بانوان نخبه از شرق و غرب دنیای اسلام، اهمیتی دارد بیش از اهمیت يك اجلاس برای بیداری اسلامی. این اهمیت از این





جهت است که فرصت شناسایی يك ديگر، پيدا كردن يك ديگر براي بانوان نخبه‌ی دنياي اسلام، در اين اجلاس فراهم شده است و اين بسيار مهم است. صد سال است که فرهنگ غربی به پشتوانه‌ی پول و زور و سلاح و ديپلماسی، سعی می‌کند فرهنگ غربی را و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل کند. ... امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش کنید که این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگ‌ترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و کرامت اسلامی کردید. این اجتماع می‌تواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. ... بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی يك تأثیر مضاعف است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

۴-۲-۵. اجلاس جهانی جوانان و بیداری

کشورهای خاورمیانه، اکثراً کشورهایی هستند که جوانان، بخش اعظم جمعیت آن‌ها را تشکیل می‌دهند. به رغم تلاش گسترده‌ی غرب و حاکمان کشورهای عربی، جوانان به دنبال هویت گم‌شده‌ی خود می‌گردند و آن‌را در بیداری اسلامی یافته‌اند. خیابان‌های جهان عرب، مملو از جوانانی بود که بدون ترس از دستگاه سرکوب حکومت‌های جائر خود، بیداری اسلامی را رقم زدند. با توجه به این نقش خطیر بود که اجلاس جهانی جوانان مسلمان برگزار شد و مقام معظم رهبری، آن‌ها را با رهنمودهای خویش، آگاه و بیدار کردند تا مسیر صحیح جنبش را ادامه دهند. معظم‌له در این همایش فرمودند:

وقتی جوان در يك كشوري بیدار شد، امید به بیداری‌های عمومی در آن کشور افزایش پیدا می‌کند. امروز جوان‌های ما در سرتاسر جهان اسلام بیدار شده‌اند. ... امروز استکبار جهانی در مقابل بیداری اسلامی احساس ناتوانی می‌کند. شما غالبید، شما پیروزید، آینده مال شماست. .. در طول سالیان دراز، ما را از لحاظ علمی عقب نگه داشتند؛ فرهنگ ما را پامال کردند، استقلال ما را از بین بردند. امروز ما بیدار شده‌ایم. ما میدان‌های علم را هم یکی پس از دیگری تصرف خواهیم کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰).

۴-۳. نامه به جوانان غربی

مقام معظم رهبری، نامه‌های متعددی به جوانان در سراسر جهان مکتوب کردند و جوانان را به بیداری و تأمل و تفکر در مورد اسلام دعوت کردند که نامه اول در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ نگاشته و عرضه شد. رهبر معظم انقلاب با صدور این نامه، چراغی روشن کردند تا فضای گفت‌وگوی ادیان، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، گفت‌وگوی مذاهب و گفت‌وگوی تمدن‌ها نمایان

شود. بنابراین، هدف نامه‌ی اول رهبر انقلاب به جوانان غربی، درخواست و دعوت برای شناخت بی‌واسطه از اسلام بود.

هدف از نگارش نامه‌ی دوم، یادآوری این نکته‌ی مهم است که «تروریسم، درد مشترک» جهان اسلام و غرب است. هدف دیگر نگارش نامه‌ی دوم شاید بیان این مطلب است که اگرچه افراط‌گرایان اسلامی، حادثه‌ی تروریستی پاریس را رقم زدند اما همین گروه‌های افراطی توسط قدرت‌های غربی به‌خصوص «آمریکا» ایجاد و تقویت شدند. رهبر معظم انقلاب در این خصوص نوشتند: «امروز کمتر کسی از نقش ایالات متحده‌ی آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان بی‌اطلاع است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۱). محور دیگر در نامه‌ی رهبر انقلاب، اشاره به سیاست‌های متضاد غرب در برخورد با جنبش بیداری اسلامی در جهان اسلام است. صدور این نامه‌ها، در ادامه‌ی بیداری اسلامی، هشدار به انحراف از بیداری و دوری جستن از جریان تکفیری‌گری بوده است.

نامه‌های مقام معظم رهبری به جوانان اروپا، پژواک متفاوتی در بین مخاطبان خود داشت. رسانه‌های جریان اصلی غرب، به رغم جهت‌گیری‌های خاص خودشان، نمی‌توانستند آن‌را نادیده بگیرند. خبرگزاری‌های مهم دنیا مانند آسوشیتدپرس و خبرگزاری فرانسه، فوراً بخش‌هایی از این نامه‌ها را منتشر کردند. شبکه‌ی خبری سی‌ان‌ان آمریکا و بی‌بی‌سی انگیس (BBC، ۲۰۱۵) نیز آن‌را منتشر کردند. روزنامه‌ی نیویورک تایمز در این زمینه نوشت: «رهبر ایران در اقدامی نادر برای دستیابی به غرب، نامه‌ای به جوانان در ایالات متحده و اروپا منتشر کرد و از آن‌ها خواست که اسلام را از منابع اصلی بیاموزند» (Erdbrink، ۲۰۱۵) نشریه‌ی آمریکایی «فارین افیرز» نیز با انتشار بخش‌هایی از نامه‌های مذکور، آنان را نامه‌هایی غیرمعمولی خطاب به جوانان اروپا معرفی کرد که از آن‌ها می‌خواهد قبل از آن‌که اسلام را محکوم کنند، آن‌را درک کنند و خوب بشناسند. (Drennan، ۲۰۱۵) بخش عمده‌ای از واکنش‌ها به این نامه‌ها در قالب نظرهای کوتاه در شبکه‌های اجتماعی بیان شد که البته بعدها دسترسی به آن‌ها از بین رفت. فیل ویلایتو^۱، نویسنده و رهبر گروه ضدجنگ ویرجینیا دیفندر در آمریکا، در پاسخ به پیام حبیب احمدزاده، نویسنده و فعال فرهنگی ایران نوشت: «اگرچه ایالات متحده، به خود، درباره‌ی وجود «آزادی بیان» و نیز





جریان آزاد اطلاعات می‌بالد، ولی من این کلمات را هیچ جای دیگری ندیده‌ام. کلمات آیت‌الله؛ معقول، صریح و روشن‌گر هستند». ریچارد فالک استاد و پروفیسور آمریکایی نیز گفت: «محورهای این نامه را می‌توان سنگ‌بنای معنوی و اخلاقی جوامع قرار داد و آن را به کل بشریت وسعت بخشید. وجود چنین احساسی در این برهه‌ی زمانی بسیار ضروری است، چون قادر است با از بین بردن بی‌اعتمادی‌ها، به خلع سلاح هسته‌ای در دنیا و امنیت کمک کند» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیتی که اسلام و انقلاب اسلامی برای مردم قائل است و این اهمیت در اصول مختلف قانون اساسی، به‌ویژه مقدمه و اصول مربوط به سیاست خارجی درباره‌ی حمایت از مردم مظلوم و مستضعف جهان ذکر شده است، بسیار طبیعی است که دیپلماسی عمومی، یکی از خصائل ذاتی و وجوه ممیزه‌ی آن با دیگر انقلاب‌های جهان باشد. دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی، باعث بیداری اسلامی شد. مسیر بیداری اسلامی، از یک جریان فکری پرفراز و نشیب، به تدریج به واسطه‌ی آرای امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، به یک وضع تثبیت‌شده دست یافت.

امام توانست این جریان را در قالب یک الگوی حکومتی برخاسته از مذهب، سامان دهد و آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تثبیت این وضعیت و ایجاد تغییر نگرش در راستای تبیین نظری افول غرب کوشید. بررسی عرصه‌ی عملی نیز نشان داد؛ رشد و تکامل بیداری اسلامی و به‌خصوص نمود یافتن آن در جریان تحولات کشورهای عربی، بر تمایزات مفهومی این جریان در مقابل غرب افزوده است و به عنوان رقیب این جریان در عرصه‌ی سیاست جهانی وارد شده است. بررسی حوزه‌ی سیاست و فرهنگ در غرب نشان داد هر چه بر رشد جریان اسلامی افزوده می‌شود، تمدن غرب به حاشیه و رو به افول می‌رود. در این شرایط، جریان بیداری اسلامی بر پیچیدگی پدیده‌ها خواهد افزود و به عنوان یک عامل شتاب‌زا و تقویت‌کننده، اثرگذاری غرب را با چالش مواجه خواهد کرد. بنابراین، این جریان به عنوان یک جریان فعال خواهد توانست مناسبات، معادلات و جریان حاکم را که یا به چالش دچار است و یا در حال تنش است را در مهلکه‌ای نوین گرفتار کند. بنابراین پیش‌بینی آینده‌ی تحولات جهان، بدون احتساب جریان بیداری اسلامی، به عنوان پدیده‌ای فعال، یک اشتباه استراتژیک است و در این میان دیپلماسی عمومی مؤثرترین شیوه در رشد و بالندگی بیداری اسلامی بوده است.

منابع

قرآن کریم.

ایزدی، ف. (۱۳۹۰). ساختارشناسی و هدف‌شناسی دیپلماسی عمومی آمریکا علیه جمهوری ایران. مطالعات جهان، (۱)، ص ۱۲۵-۱۴۳.

خامنه‌ای، ع. (۱۳۸۸/۱۲/۹). بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت امور خارجه. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1645#1495>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۸۹/۱۱/۱۵). بیانات در خطبه‌ی نماز جمعه. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10955>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۰/۶/۲۶). بیانات در اجلاس بیداری اسلامی. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۲/۲/۹). بیانات در اجلاس بیداری اسلامی. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۱/۱۱/۱۰). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21969>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۱/۹). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۱/۴/۲۱). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی». قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۰/۱۱/۱۰). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی». قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18871>

خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۳/۱۱/۱). نامه به جوانان غرب. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/tag-content?id=6584>

بیل، ج. (۱۳۷۱). شیر و عقاب. ف. برلیان (مترجم). تهران: نشر فاخته.

بیل، ج. (۱۳۶۷). مقاله) جنگ، انقلاب و روحیه؛ قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.





پازکیان، ا. و همکاران (۱۳۹۸). بررسی ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۰، ص ۳۲۴-۳۴۶. پورحسن، ن. (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه‌جانبه. راهبرد دفاعی، شماره ۳۳، ص ۱۴۵-۱۶۶. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶/۹/۱۱). شخصیت‌های جهان درباره نامه امام خامنه‌ای به جوانان غرب چه می‌گویند؟ قابل مشاهده در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1590120/1396/09/11>

خواجه سروی، غ.ر. (۱۳۹۱). نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی؛ وجوه تشابه و تمایز. مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۲۸)، ص ۱۰۲-۱۲۵.

برزویی، م.ر.؛ جهانبازی، ر.؛ تمدن، ا.ر. (۱۴۰۱). تئوپلماسی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی شهادت سردار قاسم سلیمانی. مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه، ۵(۱۶)، ص ۴۲-۵.

دهقانی فیروزآبادی، س.ج. (۱۳۹۱). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در دوران اصول‌گرایی. روابط خارجی، ۴(۲)، ص ۵۶-۷۸.

سجادپور، م.ک.؛ نگین‌راز، پ. (۱۳۹۳). بایسته‌ها در مدل ارزیابی تکنیک دیپلماسی مسیر دوم. سیاست خارجی، شماره ۱۱۰، ص ۲۰۳-۲۲۵.

صادق‌زاده، م.ع. و همکاران (۱۴۰۰). رهبری و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۶۶، ص ۷۶-۹۵.

جوادی آملی، . (۱۳۸۷). بنیان مرصوص امام خمینی قدس سره در بیان و بنان حضرت آیت الله جوادی آملی، قم: اسرا

خمینی، س.ر. (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۸.

فوکو، م. (۱۳۷۷). ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ ح. معصومی همدانی (مترجم). تهران: نشر هرمس.

گیلبوا، ا. (۱۳۸۸). ارتباطات جهانی و سیاست خارجی. ح. آشنا و م.ص. اسماعیلی (مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مبینی مقدسی، م.؛ عبد سرمدی، ن. (۱۳۹۲). دیپلماسی عمومی نوین و بیداری اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۳)، ص ۶۵-۸۹.

میلسن، ژ. (۱۳۸۹). قدرت نرم، دیپلماسی عمومی نوین در روابط بین‌الملل. ر. کلههر و س.م. روحانی (مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نعیم‌آبادی، ح.؛ پالیزبیشه، م. (۱۳۹۹). جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، شماره ۳.

هادیان، ن.؛ احدی، ا. (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. روابط خارجی، ۱(۳)، ص ۲۰۰-۲۲۳.

هادیان، ن. و سعیدی، ر. (۱۳۹۲). از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی، راهبرد، شماره ۶۶، ص ۸۷-۹۹

BBC (2015). *Ayatollah Khamenei writes letter to Western youth*. Available



at: <https://www.bbc.com › world-middle-east-30931363>

Drennan, J. (2015). *To the Youth in Europe and North America: An Unexpected Open Letter from Iran's Supreme Leader*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2015/01/21/to-the-youth-in-europe-and-north-america-an-unexpected-open-letter-from-irans-supreme-leader/>

Erdbrink, T. (2015). *Ayatollah Khamenei Appeals to Western Youth on Islam and Prejudice*. Available at:

<https://www.nytimes.com/2015/01/23/world/middleeast/ayatollah-khamenei-appeals-to-western-youth-on-islam-and-prejudice.html>

Fransworth, D.N. (1992). *International Relation*. Chicago; Nelson-Hall.

Nancy, P. & Taylor, M. (Ed.) (2009). *Routledge Handbook of Public Diplomacy*. Routledge.

Nye, J. & Owens, W. (1996). *America's Information Edge, Foreign Affairs*. Available at: <http://web1.nps.navy.mil/~budden/lecture.notes/nyeowens.html>

<http://web1.nps.navy.mil/~budden/lecture.notes/nyeowens.html>

Saddiki, S. (2006). Diplomacy in Changing World. *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, 5(4).

Sadjadpour, K. (2009). Reading Khamenei: The World View of Iran's Most Powerful Leader. Carnegie Endowment for International Peace.

Waller, M. (2007). *The Public diplomacy Reader*. Washington: Institute of World Politics Press.



سال بیست و پنجم / شماره صدم / زمستان ۱۴۰۱



References:

- Adams, S. and Zanzi, A. (2005). Developing political intelligence for making feasible decisions. *Journal manage Dev*, 25, 350-367.
- Alimo-Metcalfe, B. and Alban-Metcalfe, J. (2005). Leadership: Time for a new direction? *Leadership RD.*, 1, 51-71
- Ashraf, F. et al. (2011). A Leader's political intelligence for effective change management. *African journal of Business management*, 5(14), 5798-5806.
- Bakhshayeshi Ardestani, A. (2015). Historical development of political thoughts in the West (from Plato to Nietzsche). Tehran: Avaye Noor Publication.
- Barimani, A.; Rashid Rostami, K. (2022). Relation between political intelligence and organizational virtue with the mediating role of transformative leadership in the staff of Ports and Maritime Organization (a case study of the special economic zone of Amirabad Port). *Journal of teaching in marine sciences*, 9(2), 138-149.
- Beykzad, J.; Alayi, M.B.; Eskandari, K. (2010). A study of the relation between the political intelligence of managers and their performance in the governmental organizations of East Azerbaijan Province. *Management research*, 3(8), 143-168.
- Brouer, R. et al. (2006). The strain-related reactions to perceptions of organizational politics as a workplace stressor: Political skill as a neutralizer. In E. Vigona-Gadot and A. Drory (eds), *Handbook of organizational politics*. Edwards Elgar Publication.
- Chaudhary, H.Ch. (2005). *Knowledge Management for Competitive Advantage*. Excel Books India.
- Chrusciel, D. (2006). Considerations of emotional intelligence in dealing with change decision management. *Manage. Decis.* 44(5), 644-657.
- Cook, S. and Macaulay, S. (2004). *Change management excellence*. London & sterling.
- Daft, R. L. (1995). *Essentials of Organization Theory and Design*. A.

Parsaeian and S.M. Arabi (tr.). Tehran: Institute For Trade Studies and Research.

Doostar, M.; Mombeini, Y. (2014). Themes and functions of political intelligence. *Political science*, 20(19), 65-86.

Ferris, G.R., Davidson, S.L. and Perrewe, P.L. (2000). Political skill at work. *Organizational Dynamics*, 28, 25-37.

Ferris, G.R., Munyon, T.P., Basik, K. & Buckley, M.R. (2008). The Performance Evaluation Context: Social, Emotional, Cognitive, Political, and Relationship Components. *Journal Human Resource Management Review*, 8, 146-163.

Fielding, N. & Fielding, J. (1986). *Linking Data*. London: Sage Publications Ltd.

Gabel, R.S., Dolan, S.L. & Cerdin, J.L. (2005). Emotional intelligence as predictor of cultural adjustment for success in global assignments. *Career Development International*.

Gardner, L. and Stough, C. (2002) Examining the Relationship between Leadership and Emotional Intelligence in Senior Level Manager. *Leadership & Development Journal*, 23, 68-79.

<http://dx.doi.org/10.1108/01437730210419198>

Ghanbarnejad, H.; Khodadadi, A. (2016). Organizational empowerment, an effective step towards good governance. The second International Conference of the Tools and Techniques of Management, Tehran.

Gill, R. (2001). Change management - or change leadership? *J. Change Manage*, No.3, P.307-318.

Golparvar, M.; Roohi, M.; Manzari Tavakkoli, A.R. (2022). The effect of political intelligence on the relation of economic and social intelligence with political participation (the case study of citizens in Kerman). *Political sociology of Iran*, 5(10), 1587-1608.

Golshahi, M.M.; Rahbar, A.A.; Niksiratfar, M. (2020). Analysis of the components of political intelligence in management of political





conflicts. *Political science*, 16(2), 163-171.

Groves, K.S. (2006). Leader emotional expressivity, visionary leadership, and organizational change. *Leadersh. Organ. Dev. J.*, 27(7), 566-583.

Hashemi Mad, R.; Adabi Firuzjah, J.; Saboonchi, R.; Alimohammadi, H. (2021). A study of the status of the political intelligence of physical education managers of the branches of Islamic Azad University throughout the country. *Sphere of politics* 8(28), 141-165.

Heshmatzadeh, M.B.; Haji Yousefi, A.M.; Talebi, M.A. (2017). Study of the obstacles on the way of good governance in the political culture of Iran. *Contemporary political inquiries*, 8(1), 1-24.

Huston, L. & Munoz, T. (2013). *The Open Innovation Business Model*. Available at: www.innovationexcellence.com/blog/20013/08/12

Islam, U., Ilyas, M. & Imran, M.K. (2016). Intelligence and its impact on managerial effectiveness and career success. *Journal of Management Development*, 35(4), 51-62.

Jang, J., McSparren, J. & Rashchupkina, Y. (2016). *Global governance: present and future*. Palgrave Commun, No.2. DOI: <https://doi.org/10.1057/palcomms.2015.45>

Liu, Y., Ferris, G.R., Zinko, R., Perrewe, P.L., Weitz, B. & Xu, J. (2007). Dispositional antecedents and outcomes of political skill in organizations: a four-study investigation with convergence. *J. Vocat. Behav.*, 71, 146-65.

Lussier, R.N. & Achua, C.F. (2010). *Leadership: Theory, applications, and skill development*. (4th ed.). Cengage, USA.

Miller, D. (2002). Successful change leaders: what makes them? What do they do that is different? *J. Change Manage*, 2, 359-360.

Mombeini, Y.; Doostar, M.; Goodarzi, M. (2017). Political intelligence and organizational change, a study of the moderating role of organizational culture. *Management research in Iran*, 21(2), 113-

135.

Mueller, M. (2010). The educational implication of multiple intelligence groupings within a cooperative learning environment. [Doctoral dissertation, California University, USA].

Nawaz, M.M. and Bodla, M.A. (2010). Comparative study of full range leadership model among faculty members in public and private sector higher education institutes and universities. *International Journal of Business Management*, 5(4), 208-214.

Oakland, J.S. and Tanner, S. (2007). Successful Change Management. *Total Qual. Manage*, 18, 1-19.

Orbell, J., Morikawa, T., and Allen, N. (2002). The evolution of political intelligence: Simulation results. *British Journal of Political Science*, 32(4), 613-639.

Owen, J. (2009). *How to Manage: the Art of Making Things Happen*. S. Ghorbanloo (tr.). Tehran: Moballeghan Publication.

Owen, P.S. and Demb, A. (2004). Change dynamics and leadership in technology implementation. *Journal of Higher Education*, 75(6), 636-666.

Palmer, B., Walls, M., Burgess, Z. and Stough, C. (2001). Emotional Intelligence and effective leadership. *Leadership Organization Development Journal*, 22(1), 5-10.

Peled, A. (2000). Politicking for success: the missing skill. *Leadership Organization Development Journal*, 21, 20-29.

Perrewe, P.L., Kelly, L.Z., Gerald, R.F., Ana, M.R., Charles, J.K. and Ralston, D.A. (2004). Neutralizing job stressors: Political skill as an antidote to the dysfunctional consequences of role conflict. *Academy of Management Journal*, 47(1), 141-152.

Prati, L.M., Douglas, C., Ferris, G.R., Ammeter, A.P. and Buckley, M.R. (2003). Emotional intelligence, leadership effectiveness, and team outcomes. *The international journal of organizational analysis*, 11(1), 21–40. <https://doi.org/10.1108/eb028961>





Radhakrishnan, A. & Udayasuriyan, G. (2010). Emotional intelligence and its relationship with leadership practices. *International Journal of Business Management*, 5(2), 65-76.

Rahimi, M.; Kashtidar, M.; Khoshbakhti, J. (2012). Appraisal of the extent of the cultural intelligence of the managers of the selected federations in the country and the study of their relation with the style of transformative leadership. *Sport management studies*, 14(2), 191-208.

Reynolds Consulting, S. (2011). 520 pike street, suite 1250. Available at: www.stephanierenolds.com.

Sadeghi Nasab, M.; Lotfi, D. (2018). The effect of the political intelligence of leaders on effective management of change in Tehran municipality. *Horizons of human sciences*, 1(12).

Sandberg, S. (2013). *Lean In: Women, work and the will to lead*. New York: Random House.

Sarvari Laleh, H.; Mousavi, S. (2021). The effect of political intelligence on choosing contradictory styles of management (the case study of the managers of flights and tourism services companies and offices in Tabriz). *Journal of publication administration mission*, 12(42), 163-173.

Schafer, J.A. (2010). Effective leaders and leadership in policing: Traits, assesments, development, and expansion. *Policing: Int. Journal of Police Strategic Management*, 33(4), 644-663.

Schmidt, M.J. (2010). Is there a place for emotions within leadership preparation programs? *Journal of Education Administration*, 48(5), 626-641.

Swartz, J. (2012). Ebay founder, a philanthropic powerhouse. *USA Today*.

Taghipour Vajargah, S.; Mokhtari Baye Kalayi, M.; Agha Ahmadi, Gh. A.; Awsat Khanjani, A. (2022). Identification and study of causal relationships between the dimensions of the political intelligence of

the agents of the Interior Ministry based on the Islamic view. *Political sociology of Iran*, 9(5), 112-131.

Treadway, D. C., Breland, J. W., Williams, L. M., Cho, J., Yang, J., & Ferris, G. R. (2013). Social influence and interpersonal power in organizations: Roles of performance and political skill in two studies. *Journal of management*, 39(6), 1529-1553.

Treadway, D.C, Breland, J.W., Williams Lisa, M., Cho, J., Yang, J. & Ferris, G.R. (2013). Social Influence and Interpersonal Power in Organizations. Roles of Performance and Political Skill in Two Studies *Journal of Management*, 39, 1529-1553.

Treadway, D.C. & et al. (2004). Leader political skill and employee reactions. *Leadership Quarterly*, 15(4), 493-513.

Vakola, M., Tsaousis, I. & Nikolaou, I. (2004). The role of emotional intelligence and personality variables on attitudes toward organisational change. *Journal of Management Psychology*, 19(2), 88-110.

Vredenburgh, D., Shea-VanFossen, R. (2010). Human nature organizational politics, and human resource development. *Human Resource Development Review*, 9, 26-47.

Yazdanpanah, A.; Marefat, D.; Farahmand, F. (2018). The relation of political intelligence and linguistic intelligence with the transformative leadership style of the managers and staff of the Ministry of Sport and Youth. *Studies of organizational behavior management in sport*, 5(20), 101-108.

Yukl, G. (2007). *Leadership in organizations*. (6th ed). Dorling Kindersley, Pearson Education, India.

Zarei Matin, H. (2020). *Management of advanced organizational behavior*. Tehran: Agah Publication.

